



2018 - The Year of ITI



پیام روز جهانی تئاتر ۲۰۱۸ - آفریقا

وره‌وره لیکنگ گنه‌پو، ساحل عاج

هنرمند چندرشته‌ای

ترجمه به زبان انگلیسی: ملوری دومسین - تامر جانسون

یک روز

انسانی تصمیم می‌گیرد سوالی را از خود در مقابل یک آینه (یک تماشاگر) پرسد

تا برای خود پاسخی بسازد و در مقابل همین آینه، (تماشاگرش)

خود را نقد کند، پرسش‌ها و پاسخ‌های خودش را به سخره بگیرد

بخندد یا گریه کند، در هر حال، اما در پایان

آینه‌اش (تماشاگرش) را خوشامد گفته و تقدیس کند

برای آنکه به او لحظه‌ای بغض و امان داده است

تعظیم می‌کند و بر او درود می‌فرستد تا قدردانی و احترامش را نسبت به او

نشان دهد...

در عمق وجودش، به دنبال صلح و آرامش بود،

صلح با خودش و آینه‌اش:

او تئاتر اجرا می‌کرد...

آن روز، او سخن می‌گفت...
بیزاری از نقص‌هایش، تناقض‌هایش و پیچیدگی‌هایش،
اعجاب خود از طریق تقلید و انعطاف؛
حقارتش که انسان دوستی‌اش را لکه‌دار کرده است
نیرنگ‌هایش که منجر به فجایع سهمگین شده است
با خود سخن می‌گفت...
خود را می‌ستود در انفجارهای خروشان،
در میل به عظمت، به زیبایی،
هستی بهتر، جهانی بهتر
که از اندیشه‌های خودش می‌ساخت
که می‌توانست با دستان خودش بسازد
اگر او خودش از خود در آینه، طلب می‌کرد، به خود می‌گوید،
اگر او و آینه‌اش این آرزو را شریک بودند...
اما او می‌داند: او داشت نمایش می‌داد
تمسخر را، بی‌شکی، توهم را،
اما در عین حال، قطعاً عمل ذهنی را
ساختن، خلق دوباره‌ی جهان،
او تئاتر اجرا می‌کرد...
حتی با نابودی تمام امیدها
با کلماتش و اداهای اتهام‌آمیزش
او را سخانه باور داشت
که همه چیز در همین یک شب به دست خواهد آمد
با نگاه‌های خیره‌ای دیوانه‌وارش
با سخنان شیرینش
با لبخند شرورانه‌اش
با شوخ‌طبعی دلچسبش

با سخنانش که حتی با وجود دردناکی یا تکان دهنده بودن دست به جراحی برای یک معجزه می‌زند آری، او تأثیر اجرا می‌کرد.

و در مجموع

در وطن در آفریقا

خصوصاً در بخش کامیت (۱) که اهل آنجا هستم

به هیچ چیز اهمیت نمی‌دهیم

به یک شیوه می‌خندیم، عزاداری می‌کنیم و گریه می‌کنیم،

به زمین ضربه می‌زنیم وقتی ما را ناامید می‌کند

با گبه گبه (۲) یا بیکوتسی (۳)

ماسک‌های ترسناک تراشیده می‌شوند

گلانه (۴)، وایله (۵) یا پونیوگو (۶)

تا اصول سازش ناپذیری را شکل دهیم

که چرخه‌ها و دوران‌ها را بر ما اعمال می‌کنند

و عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی که همانند ما،

در نهایت خالقان خود را شکل می‌دهند

و با مطیع کردن گردانندگان خود

آیین‌هایی را می‌سازند که در آن سخنان بر زبان جاری شده،

سرشار از موسیقی موزون و نفس‌ها،

به پیش می‌رود تا فتح رقص‌های برانگیزاننده‌ی مقدس همچون خلسه

جادو و فراخوان سرسپردگی؛

اما بیش از همه، انفجار خنده‌ها

برای گرامیداشت لذت زندگی

که نه قرن‌ها برده‌داری و استعمار

نژادپرستی و تبعیض

نه بی نهایت خشونت‌های ناگفتنی
نمی‌توانند آن را بکشند یا برابند
از روح پدر و مادر انسانیت ما؛
در آفریقا، همانند هر جای دیگر در دنیا
ما تئاتر اجرا می‌کنیم...

و در این سال خاص که به انستیتو بین‌المللی تئاتر اختصاص داده شده است
خوشحال و مفتخرم که نماینده‌ی قاره‌مان هستم
تا حامل پیام صلحش باشم
پیام صلح‌آمیز تئاتر؛

چرا که این قاره که تا همین چندی پیش گفته می‌شد
هر چه ممکن است در آن اتفاق بیافتد
بدون آنکه کسی کمترین ناراحتی یا کمبودی احساس کند،
دوباره در نقش آغازین خود شناخته می‌شود
نقش پدر و مادر انسانیت

و تمام جهان به آن سرازیر می‌شود...

چرا که هر کس امیدوار است آرامش را بیابد
در آغوش پدر و مادرش، این طور نیست؟

و به همین ترتیب، تئاتر ما بیش از پیش،

تمام انسان‌ها را گرد هم می‌آورد و درگیر می‌کند، و خصوصاً
تمام آنهایی را که در اندیشه، کلام و عمل تئاتری سهیم هستند،

تا احترام بیشتری برای خود و برای یکدیگر قائل باشند

با طرفداری از بهترین ارزش‌های انسان‌دوستانه

به امید بازپس‌گیری انسانیتی بهتر برای همه:

انسانیتی که هوشمندی و درک را تشویق می‌کند.

با استفاده از این موثرترین بخش فرهنگ انسانی

همانی که تمامی مرزها را پاک می‌کند: تئاتر...

یکی از سخاوتمندترین‌ها، چرا که به تمام زبان‌ها سخن می‌گوید،
تمام شهروندان را در بر می‌گیرد، تمام ایده‌آل‌ها را بازتاب می‌دهد،
و همبستگی عمیقی میان تمام انسان‌ها بروز می‌دهد،
میان آنها که علیرغم تمام برخوردها

به طور خاص علاقمند به شناخت بهتر یکدیگر
و عشق ورزیدن بهتر به خود هستند، در صلح و آرامش
هنگامی که نمایش تبدیل به مشارکت می‌شود
وظیفه‌ای که به ما محول شده است را به ما یادآور می‌شود
قدرت تئاتر در خنداندن و گریاندن همه، با هم
با کاهش جهل‌شان، با افزایش دانش‌شان
تا انسان دوباره بهترین دارایی انسان شود.
تئاتر ما پیشنهاد می‌کند که دوباره از اساس بررسی و ارزیابی کنیم
تمام این اصول انسانی را، تمام این ارزش‌های والا را
تمام این اندیشه‌های صلح و دوستی میان مردم را
که یونسکو تا این حد مدافع آن است
تا آنها این اندیشه‌ها و اصول نیازی اساسی شوند

و تفکری عمیق درباره خود سازندگان تئاتر در وهله‌ی اول
کسانی که پس از آن می‌توانند این اندیشه‌ها را بهتر با مخاطبان‌شان در میان
بگذارند.

به همین خاطر است که اثر تئاتری اخیرمان با عنوان «L'Arbre Dieu» در
تکرار توصیه‌های کینداکی (۷) نگو بیونگ بی کوبان (۸)، استادمان، می‌گوید:
«خدا همچون درختی بزرگ است»

که تنها یک وجه از آن را می‌توان در هر زمان درک کرد
از زاویه‌ای که به آن نگاه می‌شود
آنکه پرواز می‌کند تنها انبوهی از برگ‌ها را درک می‌کند
و احتمالاً میوه‌ها و گل‌های فصلی را،

آنکه زیر زمین زندگی می کند درباره‌ی ریشه‌ها بیشتر می داند،
آنها که به درخت تکیه می دهند با حسی که در پشت شان دارند درخت را
تشخیص می دهند.

آنها که از جهات اصلی جغرافیایی می آیند، ابعادی را می بینند که جهات مخالف
لزوماً به آن دسترسی ندارند،

برخی که ممتازند، راز میان پوسته و درون تنه‌ی درخت را درک خواهند کرد

و همچنان برخی دیگر، علم محرمانه‌ی جوهره‌ی درخت را

اما هر چقدر درک هر یک سطحی یا عمیق باشد،

هیچ کس هرگز در زاویه‌ای قرار نمی گیرد

که بتواند تمام این ابعاد را در آن واحد درک کند

مگر آنکه خود تبدیل به آن درخت آسمانی شوید!

اما آنگاه، آیا هنوز انسان هستیم؟

باشد که تمام تئاترهای جهان یکدیگر را بپذیرند،

در راستای هدف جهانی انستیتو بین المللی تئاتر بهتر عمل کنند

تا در نهایت در هفتادمین سالگردش

صلح بیشتری در جهان باشد

با مشارکتی قوی در تئاتر...

EXIT THEATRE

۱. Kamite: ساکن کامیتا (Kamita)، سرزمین سیاهپوستان، آفریقا، کامیت
همچنین به بومیان و نوادگان آنها که به اجبار در جهان پراکنده شده اند و نیز
معتقدین به مذهب اصلی این ناحیه نیز گفته می شود.

۲. Gbégbé: رقص سنتی قبیله به ته Bétés در ساحل عاج که در مناسک
عمومی عزاداری یا شادی به کار می رود.

۳. Bikoutsi: کوت به معنای ضربه زدن، سی به معنای زمین، از رقص های
اصلی فان بتی Fan Beti از کامرون جنوبی که در اصل توسط زنان انجام
می شود تا برکت و آمرزش از سوی مادر زمین تضمین شود؛ برداشت خوب، هوای

بهرتر و... در این رقص لازم است که محکم به زمین ضربه بزنند تا وادارش کنند که به منطق گوش کند. امروزه این رقص توسط جوانان تمام کشور و فراتر از آن با کمک چهره‌های جهانی بازیابی شده است.

۴. Glaé: سیستم عقیدتی مردم وِه Wè و ووبه Wobè در غرب ساحل عاج بر اساس ماسک‌ها. یک هرم قدرت متشکل از ماسک‌های اغلب ترسناک که به عنوان سنگ بنای تمام باورها و سازمان‌های اجتماعی این مردمان عمل می‌کند.

۵. Wabele: یکی از ماسک‌های سیستم مذهبی سنوفو Senufo در شمال ساحل عاج با سرگفتار، آتشخوار، نماینده‌ی دانش و قدرت.

۶. Poniugo: یکی دیگر از ماسک‌های سنوفو بر اساس پورو Poro سرمنشاء پیشه‌های مقدس که بر تمام جامعه‌شان حکمرانی می‌کند.

۷. Kindack: معنی لغوی آن «استاد اندرزه‌ها» است، عنوانی که به زنان رئیس خانواده یا قبیله داده می‌شود. زنانی که با ورود به آیین Mbock یا Mbog، سیستم مذهبی قبیله باسا Bassa در مرکز کامرون به درجه‌ای از خرد رسیده‌اند. این عنوان در مقابل مبومبوکی Mbombock که مختص مردان است قرار می‌گیرد.

۸. Kuban: دختر بیونگی، پسر کوبان. این نام مادر بزرگم و مرشدم است که یکی از دارندگان دانش «کی-پی مبوکی» KI-Yi Mbock است. وظیفه‌ی انتقال این دانش از سوی او به من محول شده که بیش از سه دهه است آن را به دوش می‌کشم.

ترجمه گروه تئاتر انگزیت - شیرین میرزائزاد